

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1399/11/15



موضوع: احکام اموات/نماز میت /وجوب نماز بر مسلمان

قالَت فاطمه (س): «فاتقوا الله حق تقاته فی ما امرکم به و انتهوا عما نهاکم عنه» [1] اگر این دستور مورد عمل قرار گیرد، فرد بیمه است، عالم متقی بیمه است و هیچ آسیبی نمی‌بیند و به مشکلی بر نمی‌خورد.

سید طباطبائی طباطبائی یزدی فرمود، نماز بر کل طوائف مسلمین واجب است و بر تمام اقسام کفار واجب نیست.

شیخ طوسی در کتاب نهاییه، می‌فرماید: « الصلاة على الاموات فريضة. وفرضه على الكفاية، إذا قام به البعض، سقط عن الباقيين. ولا يختلف الحكم في ذلك، سواء كان الميت رجلاً أو امرأة، حراً أو عبداً، إذا كان له ست سنين فصاعداً، وكان على ظاهر الاسلام. [2] » اگر میت بر ظاهر اسلام باشد نماز جنازه دارد و اگر ظاهر اسلام را ندارد و کافر است، نماز بر او جایز نیست.

محقق حلی در کتاب معتبر، ص 343 و 344 می‌فرماید: نماز واجب است بر مسلمان و مسلمان کسی است که اظهار کننده شهادتین باشد و برای غیر مسلمان نماز میت واجب نیست.

فرق بین کتاب شرایع و کتاب معتبر محقق حلی مثل فرق بین کتاب مبسوط و کتاب نهایی شیخ طوسی است که کتاب همانند کتاب مبسوط، استدلالی است.

محقق حلی در شرایع می‌فرماید: نماز میت برای کسی است که مظهر شهادتین باشد و اگر نباشد و به معتقدات اسلام اعتقاد نداشته باشد، نماز میت جایز نیست.

علامه حلی در کتاب تذکره، می‌فرماید: «إنما تجب الصلاة على المسلم بالإجماع، فلا يجوز على الكافر وإن كان ذميا أو مرتدا» [3] « بر غیر مسلمان بدون خلاف نماز جایز نیست.

شهید در کتاب ذکری، می‌فرماید: «الثاني في المحل وهو الميت المسلم ... واحترزنا بالمسلم عن الكافر فلا يصلى عليه لقوله تعالى ولا تصل على احد منهم مات أبدا ولا فرق بين الاصلی والمرتد والذمي والحربي للعموم» [4] « ذمی باشد یا حربی باشد، فرق نمی‌کند؛ برای این که در عمومات نصوص آمده است نماز برای افرادی که کافرند مثلا مسیحی اند، نماز بر جنازه‌ی آن‌ها جا ندارد.

موثقه عمار در این زمینه چنین است:

محمّد بن الحسن ، عن المفید ، عن الصدوق ، عن محمد بن الحسن ، عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن أحمد بن یحیی ، عن أحمد بن الحسن بن علي بن فضال ، عن عمرو بن سعيد ، عن مصدق بن صدقة ، عن عمار بن موسى ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) ، أنه سئل عن النصراني يكون في السفر وهو مع المسلمين فيموت ؟ قال : لا يغسله مسلم ولا كرامة ، ولا يدفنه ، ولا يقوم على قبره ، وإن كان أباه. [5]

محقق حلی نیز در کتاب معتبر از سید مرتضی نقل کرده: و آورد علم الهدی فی شرح الرسالة عن یحیی بن عمار عن أبي عبد الله (عليه السلام) النهي عن تغسيل المسلم قرابته الذمي. [6]

مستند اصلی ما همان آیهی قرآن است که از بیان شهید نقل شد.

سیدنا الاستاد در کتاب تنقیح، ج 9، ص 185 نسبت به این حکم، به آیه ولا تصل علی احد منهم مات ابدا و موثقه عمار تمسک نموده است.

توضیحی در باره‌ی مرتد ملی و فطری:

مرتد فطری آن است مسلمان آفریده شده و بعد از اسلام خارج شده و ملی کسی است که ابتدا غیر مسلمان بوده و بعد مسلمان شده و سپس از آن خارج گردیده است. اگر مرتد ملی توبه کند، توبه اش قبول می‌شود، زوجه اش، مالش و ... به او برگردانده می‌شود و مرتد فطری توبه اش قبول نمی‌شود.

سیدنا الاستاد می‌فرماید: خداوند ثواب الرحیم است، توبه‌ی همه‌ی طوایف از جمله مرتد فطری هم قبول می‌شود منتهی احکام وضعیه؛ مثل به ارث رسیدن مالش به اولیائش، بر او

مترتب می‌شود. پس مرتد اگر توبه کند چه ملی باشد و چه فطری، توبه اش قبول می‌شود و نماز بر او خوانده می‌شود.

سید یزدی طباطبائی در ادامه می‌فرماید:

و لا تجب علی أطفال المسلمين إلا إذا بلغوا ست سنين نعم تستحب علی من كان عمره أقل من ست سنين و إن كان مات حين تولده بشرط أن يتولد حيا و إن تولد ميتا فلا تستحب أيضا [7]

اقوال فقها

شیخ مفید در کتاب مقنعه، می‌فرماید: «ولا صلاة عند آل الرسول ع علی من لا یعقل الصلاة من الاطفال و حدّه ان ينقص زمانه عن ست سنين [8]»

شیخ طوسی در کتاب نهاییه، می‌فرماید: «فان نقص سنه عن ست سنين لم تجب الصلاة علیه بل یصلی علیه استحبابا و تقية. [9]»

محقق حلی در کتاب معتبر، می‌فرماید: «و یشرط فی وجوب الصلاة علی الصبي: بلوغ الحد الذي یمرسون علی الصلاة، و قدره الشیخ (رحمه الله تعالى) بست سنين [10]»، تعیین شیخ طوسی از روی نص است. بعد می‌فرماید: «و یتسحب و ان لم یبلغ ذلك إذا ولد حيا [11]»

محقق حلی در کتاب شرایع، می‌فرماید: «من یصلی علیه: وهو کل من كان مظهرا للشهادتين، أو طفلا. له ست سنين ممن له حکم الإسلام ویتساوی: فی ذلك الذکر والأنثی، والحر والعبد. ویستحب الصلاة علی من لم یبلغ ذلك إذا ولد حيا، فإن وقع سقطا لم یصل علیه ولو ولجته الروح [12]»

علامه حلی در کتاب تذکره، می‌فرماید: «تجب الصلاة علی الصبي من أولاد المسلمين إذا كان لهم ست سنين فصاعدا، ولا تجب لو كان له دون ذلك، لأنه الحد الذي یؤمر معه بالصلاة. والصلاة علی الميت استغفار وشفاعة فلا معنی للشفاعة فیمن لا یؤمر بالصلاة وجوبا ولا ندبا. [13]»

شهید در کتاب ذکری، می‌فرماید: «والمراد بحکم المسلم الطفل الذي کمل له ست سنين فی الاشهر [14]»

نصوص

1- صحیح حلی و زرارہ از امام صادق (ع) «محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن زرارة وعبيد الله بن علي الحلبي جميعاً، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه سئل عن الصلاة علی الصبي متى یصلی علیه؟ قال: إذا عقل الصلاة، قلت: متى تجب الصلاة علیه؟ فقال: إذا كان ابن ست سنين، والصيام إذا أطاقه. [15]»

2- مرسل شيخ صدوق است: قال الصدوق : وسئل أبو جعفر (عليه السلام) : متى تجب الصلاة عليه ؟ فقال : إذا عقل الصلاة ، وكان ابن ست سنين . [16]

3- معتبره زرارہ: «قلت : فمتى تجب عليه الصلاة ؟ فقال : إذا عقل الصلاة وكان ابن ست سنين [17]»

سه تا روايت با سند درست و متن صريح در حد استفاضه است و اقوال فقها برای ما وثوق حاصل می کند که حکم همین است.

شيخ و محقق فرمودند که نماز جنازه بر طفل کم تر از شش سال مستحب است و ظاهراً خلافي هم نديدیم و از نصوص روايات ذیل را داریم.

1- صحيحه عبد الله بن سنان: «لَا يُصَلَّى عَلَى الْمَنْفُوسِ- وَ هُوَ الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يَسْتَهْلَ وَ لَمْ يَصِحْ- وَ لَمْ يُورَثْ مِنَ الدِّيَةِ وَ لَا مِنْ غَيْرِهَا- وَ إِذَا اسْتَهْلَ فَصَلَّ عَلَيْهِ وَ وَرَثَتُهُ [18] .»

2- روايت يقطينيون: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ (عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ) قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع لَكُمْ يُصَلَّى عَلَى الصَّبِيِّ- إِذَا بَلَغَ مِنَ السِّنِّ وَ الشُّهُورِ قَالَ- يُصَلَّى عَلَيْهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ إِلَّا أَنْ يَسْقُطَ لِغَيْرِ تَمَامٍ [19]

اسناد شيخ به احمد بن محمد بن عيسى اشعري قمی درست است. حسن و حسين هم توثيق خاص دارند و خود علی بن يقطين از اصحاب امام كاظم ع است.

جمع بين این دو روايت با روايات قبلی که می گفت نماز ميت بر اطفال شش سال به بالا واجب است، این می شود که بر کمتر از شش سال نماز واجب نیست.

[1] عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد ؛ ج 11-قسم 2-فاطمه س ؛ ص 911.

[2] النهاية، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 143.

[3] تذكرة الفقهاء، العلامة الحلي، ج 2، ص 22.

[4] الذکری، الشهيد الأول، ج 1، ص 53.

[5] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 2، ص 514، أبواب غسل الميت، باب 18، ج 1، ط آل البيت.

[6]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 1، ص 328.

[7] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 322.

[8] المقنعة، الشيخ المفيد، ج 1، ص 231.

[9] النهاية، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 143.

[10]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 2، ص 344.

[11]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 2، ص 345.

- [12] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلي، ج 1، ص 80.
- [13] تذكرة الفقهاء، العلامة الحلي، ج 2، ص 25.
- [14] الذكري، الشهيد الأول، ج 1، ص 54.
- [15] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 95، أبواب صلاة الجنازة، باب 13، ح 1، ط آل البيت.
- [16] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 95، أبواب صلاة الجنازة، باب 13، ح 2، ط آل البيت.
- [17] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 96، أبواب صلاة الجنازة، باب 13، ح 3، ط آل البيت.
- [18] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 96، أبواب صلاة الجنازة، باب 14، ح 1، ط آل البيت.
- [19] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 97، أبواب صلاة الجنازة، باب 14، ح 2، ط آل البيت.